

« نواندیشی دینی » مدافعان « ذوب در ولایت »، یا زمینه سازی برای انحراف افکار عمومی

مزورانه ذوب شدگان در ولایت را بر ملا سازد. فقیهی، در مصاحبه با ایرنا، ۲۳ بهمن، با اشاره به شکل گیری این جریان، گفت که، این جریان، متولد شده از دو جناح عمده سیاسی کشور است. وی وظیفه اصلی این جریان را «مبارزه» با تفکر متحجرانه ای ذکر کرد که سعی دارد خود را گفتمان غالب نشان دهد. وی در اشاره به انقلاب شکوهمند بهمن گفت: «گفتمان انقلاب، گفتمانی ضد استبدادی، طرفدار آزادی و مردم سالاری دینی بود.» فقیهی به پیشینه جریان اصلاح طلبی دینی از زمان میرزای شیرازی اشاره کرد و گفت: «جریان نو اندیش دینی، امتداد جریان اصلاح طلبی

جندی است که جار و جنجال تبلیغاتی وسیعی درباره جریان « نو اندیش دینی» مخالف با تفکرات ارتجاعی، صفحه مطبوعات مجاز داخلی جمهوری اسلامی را سیاه کرده است. با اینکه قبلاً زمزمه هایی از طرف نیروهای سیاسی مدافع «ذوب در ولایت» و مورد نفرت توده ها، در این زمینه منتشر گردیده بود که خود نشانگر عمق بحران مشروعیت حکومت رژیم ولایت فقیه است، اما به دنبال مصاحبه محمد مهدی فقیهی، سردبیر روزنامه «انتخاب» با ایرنا، خیرگزاری جمهوری اسلامی، ابعاد این مسأله روشن تر می گردد. تاملی بر این مصاحبه و انگشت گذاشتن بر نکات مهم این شیوه جدید مقابله با توده ها، در شرایط حساس کنونی، می تواند گوشه یی از اقدامات

ادامه در صفحه ۴

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۶۰۳، دوره هشتم
سال هفدهم، ۹ اسفند ماه ۱۳۷۹

امنیت در «نظام ولایت فقیه»، یعنی «اطاعت مردم از نظام» «اصل ولایت فقیه را نمی توان به فراندوم گذاشت»!

بلکه باید: «مسأله کار آمدی ولایت فقیه و اسلام را در عمل نشان دهیم که یکی از جنبه های کار آمدی در زمینه تأمین معیشت مردم است» (همانجا).

البته به آقای انصاری باید یادآوری کرد که مردم ستم کشیده میهن ما اتفاقاً بر اساس تجربه دردناک بیست و دو ساله گذشته است که دریافته اند رژیم کنونی نه تنها در هیچ عرصه بی کارآیی ندارد، بلکه بدلیل اتخاذ سیاست های عمیقاً ضد مردمی و ضد ملی میهن ما را به ورطه سقوط اقتصادی و اجتماعی کشانده است. در همین روزهای اخیر رئیس سازمان بهزیستی کشور اعلام کرد که حداقل ۱۶ میلیون ایرانی زیر خط فقر زندگی می کنند، آمار حتی رسمی خود رژیم دربارۀ اوضاع اسفناک اقتصادی و اجتماعی به اندازه کافی گویا و افشاگر است. بر خلاف ادعای آقای انصاری که مدعی است بدلیل تبلیغات غلط رژیم «ولایت فقیه» زیر علامت سؤال رفته است، در دادگاه افکار عمومی مردم ما این عملکرد جنایت بار رژیم بوده است که محاکمه و محکوم شده است. مردم ما دیگر از استبداد، ارتجاع قرون وسطایی و عقب ماندگی و محرومیت اقتصادی- اجتماعی جانمان به لبشان رسیده است و به همین علت است که با باز شدن کوچکترین روزنه یی، از جمله انتخابات های گوناگون که انصاری نیز به آنها اشاره دارد، تنفر و انزجار خود را از رژیم و سیاست های آن اعلام می دارند. آقای انصاری فراموش نکرده است که مردم ما در مقابل سیاست هرچه «بیشتر اسلامی کردن ایران» و «ذوب در ولایت» به «مردم سالاری» و تحقق «جامعه مدنی» رأی دادند. مشکل رژیم «ولایت فقیه» به عنوان شیوه حکومتی تبلیغاتی «بد» مرتجعان تاریک

ادامه در صفحه ۶

در هفته های اخیر مسأله مصوبه مجلس درباره منع ورود نیروهای انتظامی به محیط های آموزشی و «بیوت مراجع تقلید»، بارتاب وسیعی در محافل مختلف سیاسی کشور داشت. این طرح که باید انتظار داشت از سوی شورای نگهبان رژیم «ولایت فقیه» مغایر «اصول شرعی» تشخیص داده شود، خشم شدید سران رژیم را برانگیخته و چماق داران مطبوعاتی رژیم همچون کیهان، جمهوری اسلامی و رسالت تصویب این طرح را مترداف آزاد گذاشتن «دست جنایتکاران» اعلام کردند. به دلیل اهمیت این موضوع، که با استقبال برخی محافل دانشجویی، از جمله دفتر تحکیم وحدت روبه رو شده است، روز دوشنبه ۸ اسفند ماه، «همایش وحدت و امنیت ملی» در تالار شیخ مفید دانشگاه قم با حضور مجید انصاری و جواد لاریجانی برگزار شد که حاوی نظرات جالبی درباره مقوله «امنیت» و رژیم «ولایت فقیه» و برداشت های جناح گوناگون حکومتی از این مقولات است. انصاری در سخنان خود ضمن «غده سرطانی خواندن» مرتجعانی که سد راه اصلاحات شده اند از جمله گفت: «این نمی شود که مردم یک بار در انتخابات ریاست جمهور، یک بار در شوراها و یک بار هم در انتخابات مجلس و حتی انتخابات میان دوره ای قاطعانه به یک فکر رأی دهند اما افراد منتخب در انجام تعهدات شرعی و قانونی خود با انواع موانع مواجه باشند» (به نقل از ایرنا، دوشنبه ۸ اسفندماه ۱۳۷۹). انصاری ضمن اشاره به اینکه بیش از ۷۰ درصد جمعیت کنونی ایران زیر ۳۰ سال هستند و در معرض واقعیات قبل از انقلاب نبوده اند به این نکته تلویحاً اشاره کرد که رژیم در جذب جوانان شدیداً ناکام مانده است. وی در تلاش برای دفاع از اصل «ولایت فقیه» اشاره کرد که تنها ادعای اینکه «ولایت فقیه» کارآمد است کافی نیست

ناهنجاری های اجتماعی و سران رژیم تاملی بر ماجرای موسسه غیر قانونی نگهداری دختران جوان

روزنامه «همبستگی»، پنج شنبه ۲۰ بهمن، گزارشی را بدین شرح در صفحه اجتماعی خود چاپ کرد: «خبر کوتاه و مختصر بود. یک موسسه غیر قانونی نگهداری دختران جوان بی سرپرست در کرج تعطیل شده و پرونده قضایی متهمان آن در مجتمع قضایی امام خمینی در حال رسیدگی است. اما خبر به همین جا ختم نمی شود، چرا که همین اطلاعات مختصر، پرسش های دیگری را بر می انگیزد. این که این موسسه چگونه اداره می شد؟ موسسان آن چه کسانی بودند؟ و متهمان پرونده چه کسانی هستند؟ علت احضار ۱۰ تا ۱۲ دختر زیر ۱۸ سال به دادگاه که در این مرکز نگهداری می شدند چه بود؟ و مهم ترین پرسش که در متن خبر مستتر بود، ارجاع پرونده قضایی به مجتمع قضایی امام خمینی بود در حالی که این موسسه در کرج کشف شده بود.» خبر، در ادامه، با توجه به اینکه اطلاعات مکشوف در این مورد

ادامه در صفحه ۲

در این شماره

- تورویست رژیم - نامزد ریاست جمهوری ص ۲
- گامی مثبت در راه همکاری نیروهای مترقی و آزادی خواه ص ۳
- افکار عمومی جهان، حمله امپریالیستی به عراق را محکوم می کند! ص ۶
- خطر جنگ افروزی های جدید اسرائیل ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

نگاهی به رویدادهای ایران در هفته ای که گذشت

ادامه ناهنجاری های اجتماعی و ...

توسط خبرنگار روزنامه به دلیل اینکه ممکن است موجب «تشویش اذهان عمومی» شود و منجر به دستگیری خبرنگار مزبور گردد از جزئیات بیشتر بالاجبار معذور می شود. گزارشگر این گزارش در ادامه به منظور کنکاش در این قضیه با مسئولان قضایی تماس می گیرد که با جواب های مبهم و گنگ برخورد می کنند اما در نهایت کاشف به عمل می آید که یکی از قاضی های «سابق» قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه سردمدار یا دست اندرکار ماجرا بوده است. بنا بر همین گزارش، یک منبع آگاه، نام هفت تن از متهمان را به عنوان موسسان و مجریان خانه هدایت اسلامی ذکر کرد و اعتراف کرد که، اکثر افراد دستگیر شده سمت های مهمی در ادارات و سازمان کرج دارا بوده اند. با اینکه از انتشار این خبر مدت زیادی نمی گذرد، هفته گذشته روزنامه «کیهان» چاپ تهران، در شماره دوشنبه ۱ اسفندماه گزارش داد: «اینجا تهران است! مرکز مطالعات وزارت خارجه». قضیه از این قرار بوده است که در جریان کنفرانس بین المللی که از طرف سازمان ملل در تهران برگزار شده است عده یی از شرکت کنندگان بر اساس بینش مرتجعان، مرتکب «جنایتی» گردیده و روسری بر سر خود نکرده و بدون حجاب در کنفرانس حضور به هم رسانده بودند. به دنبال سم پاشی های «کیهان» چاپ تهران، اوپاش در قم و بر ضد این کنفرانس که اتفاقا بر ضد قربانیان خشونت بود دست به تظاهرات فرمایشی زدند. قرار بود که این خیمه شب بازی مرتجعان ابعاد گسترده تری بیابد. اما آتش آن قدر شور شد که خان هم فهمید و اعتراضات ساختگی راه به جایی نبرد.

جمعی از «فضلا» و «روحانیون» حوزه علمیه قم بیانیه یی انتشار دادند که در آن آمده است: «به دنبال برگزاری کنفرانس مبتذل حمایت از قربانیان خشونت و اهانت های آشکار به موازین اسلامی و اصل حجاب، قلوب مراجع، علما و امت اسلامی، جریحه دار شد. فضلا و روحانیون حوزه علمیه نیز هم صدا با اقشار مختلف جامعه، ضمن اعلام انزجار از این کنفرانس ننگین، با توجه به سخنان حکیمانه اخیر مقام معظم رهبری مبنی بر حفظ آرامش و به منظور جلوگیری از سوء استفاده عناصر فرصت طلب، در حالی که در غیرت دینی می سوزند، خشم انقلابی خود را فرو خورده، با هوشیاری کامل، مراقب تحرکات عناصر خود فروخته می باشند.» چندی پیش یکی از مقامات قضایی رژیم ولایت فقیه خبر داد که باندی را دستگیر کرده اند که با اغفال دختران آنها را جهت مقاصد غیر انسانی به شیخ نشین های خلیج فارس منتقل می کرده اند و آنها را در آنجا به فحشا وادار می کرده اند.

اینجا به روزنامه «کیهان» چاپ تهران باید گفت که آنجا هم تهران بود، جمهوری اسلامی. چطور بر سر نکردن یک روسری در کنفرانس بین المللی از طرف سازمان ملل در تهران، خشم «امت اسلامی» را بر می انگیزد اما به فساد کشاندن دهها و یا صدها و حتی بیشتر از دختران و زنان ستم دیده و در بند فقر میهن، که اتفاقا بنا به اظهارات و نوشته های روزنامه «همبستگی» توسط کارگزاران منتسب به رژیم ولایت فقیه انجام گرفته «غیرت دینی» هیچ کس را بر نمی انگیزد. چهار سال در قلب رژیم جمهوری اسلامی جنایاتی با آگاهی مرتجعان بر ضد زنان ستم دیده انجام گرفته و صدای هیچ کس درنیامد. اما کنفرانسی در تهران که به مسئله خشونت بر ضد زنان نیز می پرداخته به بهانه های واهی باید مورد حمله قرار بگیرد. بگذارد

این روند ادامه پیدا کند و به رشد و آگاهی توده ها کمک کند. قضاوت کنندگان نهایی همان توده ها هستند.

طراح قتل های زنجیره ای و تروریست رژیم - نامزد ریاست جمهوری

هفته گذشته، در پی اعلام نخستین لیست نامزدهای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری، نام تنها کسی که بیشتر مورد توجه قرار گرفت علی فلاحیان وزیر «اسبق» اطلاعات رژیم ولایت فقیه بود. نام فلاحیان از این نظر بیشتر مورد بحث قرار گرفت که، او از معدود اشخاصی است که در جریان ترور و کشتار دگراندیشان چه در داخل و چه در خارج از کشور نامش برجسته تر از هر شخصیت مسئول در جمهوری اسلامی بر سر زبان ها است. فلاحیان در دادگاه برلین، که رسیدگی به ترور رهبران کرد را با متهم کردن سران درجه اول رژیم ولایت فقیه در این قتل ها به پایان برد، محکوم و حکم بازداشت بین المللی برای او صادر گردید. تلاش سردمداران رژیم ولایت فقیه را پس از دو سال تقلای فراوان برای سر هم بندی کردن پرونده قتل های زنجیره ای شاید بتوان در اعلام کاندیداتوری فلاحیان جستجو کرد. و این اعترافی آشکار به سرکوب و ترور و شکنجه است که جدیداً به آن نام «سخت افزار» داده شده است [اقدامات قوه قضاییه روش های «نرم افزاری» نام گذاری شده] روشی نهادینه شده بر ضد دگراندیشان بوده است که از صدر تا ذیل مقامات حکومتی رژیم ولایت فقیه را شامل می شده است. بسیاری بر این باورند که فلاحیان در انتخابات آتی هیچ گونه شانس برای پیروزی ندارد و این حرکت او را به نبشخند می گیرند. فلاحیان در انتخابات مجلس ششم نیز کاندیدا گردید، ولی از راه یابی به مجلس بازماند. به راستی معنای واقعی این حرکات از طرف اشخاصی چون فلاحیان را چگونه می توان تعبیر کرد. فلاحیان اتفاقاً خیلی آگاهانه به این حرکت سیاسی دست زده است. فلاحیان می خواهد بگوید، همان طور که در انتخابات مجلس ششم صلاحیتش به تصویب فقهای شورای نگهبان رسید در انتخابات ریاست جمهوری نیز همین طور خواهد بود. فلاحیان می خواهد بگوید علیرغم افشاگری های ممتد و غیر قابل انکار هنوز از طرف بالاترین مقامات رژیم ولایت فقیه تایید و مورد پشتیبانی قرار می گیرد. فلاحیان می خواهد بگوید این او نبوده که مرتکب اعمال جنایت بار گردیده است بلکه سیستم حکومتی مبتنی بر ولایت فقیه نقش اصلی را در این روند بر عهده داشته و او یکی از کارگزاران عمده آن بوده است. فلاحیان می خواهد بگوید وقتی نیروها و فعالان سیاسی مترقی و طرفدار مردم در سد شورای نگهبان برای راه یابی به مجلس و کاندید شدن برای ریاست جمهوری از طرف آنها رد صلاحیت می شوند، او به راحتی از این مرحله عبور می کند و معنای آن این است که در رژیم ولایت فقیه این نه نیروهای مترقی و دلسوزان مردم که جنایت کاران و دشمنان خلق هستند که تایید صلاحیت می شوند. هنوز زخم دادگاه فرمایشی مربوط به قتل های زنجیره ای در دل داغ دیدگان این جنایت خونبار است که یکی از جنایت کاران رژیم ولایت فقیه، با دهن کجی آشکار به توده ها، در صدد مقابله با آنها در آمده است. اینکه فلاحیان و حمایت کنندگانش چگونه فکر می کنند مهم نیست، مهم ترین

مسئله روشن کردن این حرکات نزد توده هاست و همین روشنایی عرصه را بر مرتجعان تنگ تر و راه پیشرفت جنبش مردمی را هموارتر خواهد کرد.

مقوله امنیت در رژیم «ولایت فقیه»

روزنامه «دوران امروز»، دوشنبه ۱ اسفند، با اختصاص دادن سرمقاله خود به مقوله «امنیت» و ربط دادن آن به یکی از نیازهای عمده جامعه، به بررسی سخنان فرمانده نیروی انتظامی رژیم ولایت فقیه می پردازد. مقاله می نویسد: «وعده فرمانده محترم نیروی انتظامی برای برخورد جدی با برهم زندگان سخنرانی ها و تجمعاتی که بصورت قانونی و با مجوزهای رسمی تشکیل می شود، اگر تحقق پیدا کند، در واقع نشانه های مثبتی در خود دارد. این امر، اساساً به معنای پایان دوران ترکتازی گروه های فشار و جریان های خشونت طلب است.» مقاله در قسمتی دیگر آورده است: «نباید فراموش کرد که تا یکسال قبل، بر اثر برخی عملکردها و حضور برخی چهره ها، چه تصویری از نیروی انتظامی در جامعه پدیدار شده بود.» دوران امروز در مورد وعده های فرمانده نیروی انتظامی و خوش بینی نسبت به این وعده ها می نویسد: «اراده جدید در نیروی انتظامی، اراده ای همسوس با شعار قانون گرایی و حاکمیت قانون است و تحقق آن به یک معنا پیروزی جنبش اصلاحات و تحقق یکی از خواسته های آن محسوب می شود و این، نکته ای است که برای مخالفان اصلاحات و همه گروه ها و کسانی که طی چهار سال گذشته برای تضعیف جنبش اصلاحات و محاصره دستاوردهای آن گام برداشته اند، چندان خوشایند نیست.» مقاله مزبور در اشاره به سخنان قالیباف، فرمانده نیروی انتظامی، در همین مورد بود. البته برای اولین بار نیست که چنین وعده هایی از طرف حکومتیان طرفدار سرکوب به مردم داده می شود، و همچنین برای اولین بار نیست که حکومتیان و روزنامه های طرفدار اصلاح چنین خوش بینی هایی را دامن می زنند. این نوع دامن زدن به توهم در جامعه یا ناشی از عدم شناخت دقیق ماهیت رژیم ولایت فقیه است یا نوعی سرپوش گذاشتن بر ماهیت وجودی چنین ارگان های سرکوب در رژیم ولایت فقیه. از محتوای مقاله مزبور چنین برمی آید که، هیچ گونه رابطه مستقیم و غیر مستقیم بین نیروی انتظامی، شخص فرمانده با دیگر ارگان های تحت کنترل ولی فقیه

ادامهٔ رویدادهای ایران ...

همچون شورای نگهبان، سپاه، وزارت اطلاعات، قوه قضاییه و غیره نیست. دامن زدن به چنین توهماتی در میان مردم نه تنها کمکی به گسترش جنبش مردمی نمی کند بلکه ارائه دهندگان چنین تزه‌های بی محتوایی را هم نزد توده‌ها بی اعتبار و مطرود می سازد. ارگان‌هایی نظیر نیروی انتظامی دنباله رفته در هم تنیده‌ای است از مجموع ارگان‌های سرکوب در دست ولی فقیه که با استفاده از آنها اقدامات سرکوب‌گرانه را به مرحله اجرا در می آورد. حوادث آینده میهنمان با توجه به حساسیت و تنش‌های رو به افزایش صحت چنین گفته‌هایی را مطمئناً به اثبات خواهد رساند. در خوشبینانه‌ترین حالت باید گفت که اشخاصی چون قالیباف مهره‌های اجرایی در چنین نهادهایی هستند و اگر حتی احتمالاً بخواهند در مسیری خلاف جهت خواست‌ها و امیال سرکوب‌گران عمل کنند با آن به شدت مقابله خواهد شد. تجربه‌های گذشته نشان داده حتی برای پرهیز از چنین پیامدهایی جناح حکومتی طرفدار سرکوب و فادارترین نیروها و مهره‌ها را در رأس ارگان‌های سرکوب خود قرار می دهد. عقب نشینی‌های مقطعی که بعضاً مشاهده می شود نه به دلیل تغییر ماهیت افراد و یا گروه‌های سرکوب‌گر که دقیقاً به جهت افزایش مقاومت توده‌ها انجام می گیرد.

ادامهٔ رویدادهای جهان ...

گنادی زیوگانوف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در سخنانی خطاب به خبرنگاران گفت که، حزب به همراه متحدان خود ۱۲۷ کرسی در دوما دولتی که ۴۵۰ کرسی دارد، در کنترل، دارد. کارزاری را برای رای عدم اعتماد به دولت سازمان داده است. تحلیل‌گران پارلمانی در رابطه با احتمال اینکه بیش از نیمی از اعضای پارلمان یعنی ۲۲۶ نماینده از لایحه رای اعتماد حمایت کنند، اظهار تردید کردند. رفیق زیوگانوف گفت: «در چند روز آینده، ما امضاء ۹۰ نماینده را برای قطعنامه‌ای که خواستار استعفای دولت است جمع خواهیم کرد.» بر طبق مقررات پارلمان، در صورتی که یک قطعنامه عدم اعتماد مورد درخواست بیش از ۹۰ تن از نمایندگان باشد، می توان آن را در دستور کار قرار داد. پریزدنت پوتین می توان مانند سلف خود بوریس یلتسین در مرحله اول از قبول رای دوما سر باز زند. اما اگر دوما با بیش از دو سوم آرایه قطعنامه رای بدهد، او مجبور به استعفای کابینه و فراخواندن انتخابات زود رس خواهد بود. رفیق زیوگانوف در اظهاراتی که نشانگر عدم رضایت کمونیست‌ها از سیاستهای نخست وزیر، میخائیل کاسیانوف و وزیران او بود، نارضایتی عمومی در رابطه با جهت اقتصادی دولت را مورد اشاره قرارداد. «دولت به ادامه مسیری که توسط یلتسین و متحدانش ترسیم شده بود ادامه می دهد. دولت صدای مردم را نمی شنود و حتی اضافه درآمد عظیم ناشی از افزایش بزرگ قیمت نفت، نتوانست در جهت اتخاذ یک سیاست معقولانه موثر واقع شود.»

گامی مثبت در راه همکاری نیروهای مترقی و آزادی خواه

روز ۲۷ ژانویه سال ۲۰۰۱، سازمان‌های مترقی و آزادی خواه ایران، در هلند، در یک اقدام مشترک حمایت خود را از مبارزات مردم ایران بر ضد رژیم «ولایت فقیه» اعلام کردند. این گام ارزنده که در نوع خود در سالهای اخیر کم سابقه بوده است، پس از بحث و مذاکره میان نمایندگان حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، در هلند و کانون زندانیان سیاسی ایران در این کشور تدارک و سازماندهی شده بود. شرکت کنندگان در حرکت اعتراضی مشترک نیروهای مترقی و آزادی خواه، ابتدا در مقابل پارلمان هلند در لاهه گرد آمدند و اعتراض خود را بر ضد دادگاه‌های فرمایشی رژیم بر ضد دگراندیشان شرکت کننده در کنفرانس برلین و ادامه سرکوب حقوق و آزادی‌های دموکراتیک در ایران اعلام کردند.

افزون بر سازمان‌های ذکر شده در بالا، جبهه ملی، در هلند، تریونال بین المللی برای افشای جنایات رژیم و پلاتفرم‌های تشکل‌های پناهندگان ایرانی در هلند نیز با امضای قطعنامه حرکت اعتراضی، همبستگی خود را با این اقدام اعلام کردند. تظاهر کنندگان در قطعنامه خود خواهان: «آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی؛ آزادی عقیده و بیان و لغو هرگونه سانسور و تفتیش عقاید؛ اعزام یک هیئت بین المللی برای رسیدگی به قتل عام زندانیان سیاسی بوئزه فاجعه ملی ۶۷، رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای در دادگاهی علنی و با حضور ناظران بی طرف بین المللی؛ لغو هرگونه شکنجه و اعدام؛ آزادی احزاب و سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های صنفی؛ و جدایی کامل دین از حکومت» گردیدند.

شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی پس از تجمع در مقابل پارلمان هلند در یکی از سالن‌های ایستگاه مرکزی قطار در لاهه که برای این کار تدارک دیده شده بود گرد آمدند و به سخنرانی نمایندگان احزاب شرکت کننده در کنفرانس گوش دادند. سالن با شعارهای «آزادی برای زندانیان سیاسی»، «آزادی اندیشه، همیشه، همیشه» و دیگر شعارها در راستای خواست‌های جنبش مردمی تزئین شده بود.

از سوی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بهزاد کریمی، عضو شورای مرکزی، از سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، پرویز نویدی، از سازمان «راه کارگر»، ارژنگ بامشاد و از سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، ع. آشتیانی به توضیح نقطه نظرات سازمان‌های خود پرداختند. نماینده حزب توده ایران، رفیق فریدون ابراهیمی، نیز در سخنرانی خود ضمن اظهار خوشحالی از اینکه پس از مدتها «دوری توانستیم با توشه‌ای از تجارب تلخ و شیرین گرد آمده و نظرات خود را بیان کنیم» اشاره کرد که این مسأله نشانگر «سنگینی مسئولیتی است که بر دوش تک تک ما قرار دارد.» نماینده حزب توده ایران در ارزیابی اوضاع کشور با اشاره به اسناد حزب ما در سالهای اخیر و خصوصاً تحلیل حزب توده ایران دربارهٔ ضرورت طرد رژیم «ولایت فقیه» نتیجه‌گیری کرد که: «جنبش اوج گیرنده توده‌ها حلقه اساسی در نبرد بر ضد استبداد بوده و هست و بهترین و بارزترین نمونه تاریخی برای این امر انقلاب بهمن ۱۳۵۷ است. امروز نیز میهن ما برای دستیابی به آزادی و رهایی از بندهای رژیم «ولایت فقیه» نیازمند جنبش متحد و سازمان یافته و توده‌ای است که بتواند مبارزات کارگران و زحمتکشان را با پیکار زنان و اعتراض‌های دانشجویان و جوانان پیوند زند و با شعارهای مشخص فشار بر رژیم استبداد را افزایش دهد.» به گفته نماینده حزب توده ایران: «حزب ما ضمن نادرست دانستن اتکای جنبش به این یا آن فرد برای به پیش بردن امر اصلاحات ضرورت تلاش در راه سازمان دهی جنبش مردمی و ارتقاء کیفی آن به یک نیروی منسجم برخوردار از برنامه و سازمان یافته از جمله مهمترین وظایف پیش روی جنبش و نیروهای مترقی ارزیابی می کند.»

حرکت مشترک نیروهای مترقی در هلند، در اعتراض به رژیم «ولایت فقیه» و ادامه حکومت استبداد در میهن ما تجربه مثبتی است که می تواند در کشورهای دیگر برای سازماندهی حرکات مشابه اعتراضی مورد استفاده قرار گیرد.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامهٔ «نواندیشی دینی» مدافعان «ذوب در ولایت» ...

دینی است. « فقیهی با تقسیم بندی مخالفان رژیم شاه به ملیون، مارکسیست ها و روشنفکران دینی می گوید: «در مقابل این جریان و فکر دینی، جریان های دیگری هم بودند، مثلاً انجمن حجتیه. آنها فعالیت دینی می کردند، اما هدفشان، تبلیغ دین سنتی و دین مراسمی بود. به اعتقاد طرفداران انجمن حجتیه، هر چه ظلم و فساد و بدعت و گناه و خلاف زیاد شود، زمینه های ظهور امام زمان بیشتر می شود. بنا براین، با مبارزه و هر نوع نوگرایی مخالف بودند.» فقیهی این جریان را نوعی سکولاریزم پنهان می داند که اسلام را شعبه شعبه و ورزش و هنر و موسیقی را طرد می کنند. وی در ادامه گفت: «عده ای هم با شاه مبارزه می کردند، نه به این دلیل که نظامی سیاسی درست کنند، به خاطر اینکه با بی بند و باری زمان شاه مخالف بودند. آنها بعداً زیر پوشش حکومت دینی درآمدند. آنان به جوهر حکومت دینی معتقد نبودند ولی می خواستند با ابزار حکومت دینی، خواسته های خود را تحقق ببخشند.» وی این جریان را در حال حاضر نیز فعال دانست. وی در اشاره به تحولات پس از دوم خرداد اظهار داشت که از این زمان، گفتمان انقلاب به گونه ای دیگر شد. تئوری پردازان انقلاب که واقعا انقلاب را درک کرده و کار فکری و مبارزاتی کرده بودند، به کناری رفتند و جای خود را به نوآمده ها دادند. وی به خطراتی که از دو سو انقلاب [رژیم ولایت فقیه] را تهدید می کند، اشاره کرد و گفت: «آقای خاتمی و آقای کروبی که نیروهای شاخص دوم خرداد هستند، اساس فکرشان بازگشت به اندیشه حکومت دینی امام، مردم سالاری و تثبیت موقعیت رهبری و ولایت فقیه است اما چون در این گفتمان مشکل تئوریک داشتیم، از دو سو خلاء ایجاد شد. از یک سو، جای گفتمان اصلاحات دوم خرداد را گفتمان سکولار می گرفت. در جماعت اصلاح طلب، حرفهایی شنیده می شد که نشان می داد، گفتمان غالب، گفتمان سکولار شده است.» فقیهی افزود: «از سوی دیگر، بخشی از این خلاء تئوریک را متحجرینی که تازه آمده و ماسک انقلابی به خود زده بودند، پر کردند. اینها تا سال ۶۷ اصلاً نبودند، فرسنگها با انقلاب فاصله داشتند، اما یک دفعه خود را به گفتمان غالب انقلاب تبدیل کردند و در دو سه سال گذشته، صریح تر نظرات خود را بیان کردند.» وی در ادامه، با حمایت از ولی فقیه رژیم، گفت: «امروز گفتمان واقعی انقلاب و شخص رهبری مظلوم واقع شده است. کسانی که حضرت آیت الله خامنه ای را می شناسند و از پیشینه ایشان اطلاع دارند، می دانند که ایشان انسانی به تمام معنا عقلانی، فهم، روشنفکر و در عین حال ملتزم به موازین دینی و شرعی هستند ولی اکنون متأسفانه بعضی از اینها با ماسک رهبری وارد میدان شده اند.» وی همچنین افزود: «اینکه این افراد بخواهند از مقام رهبری و ولایت فقیه حداقل به سود اندیشه خودشان و با یک جریان سیاسی خاص، خرج کنند، بزرگترین ظلم به اسلام، ولایت فقیه و مقام معظم رهبری است.» فقیهی از تمام نیروهای وفادار به رژیم ولایت فقیه خواست که با تمام وجود از انقلاب، امام، رهبری و ولایت فقیه دفاع کنند، چرا که ولایت فقیه، میراث گرانبهای فکر دینی است.

اولین نکته مهم و زیرکانه ای که فقیهی در تمامی مصاحبه اش بر آن به صورت آگاهانه انگشت می گذارد، تقلیل سطح بحران سیاسی امروز جامعه ایران به تخاصم دو نوع اندیشه دینی و غیر دینی است. فقیهی در حالی که سعی می کند به دلیل نفرت بی حد توده ها به ذوب شدگان در ولایت، خط فاصلی بین آنها و جریان ادعایی اش ایجاد کند، اما در برخورد با کلیدی ترین مسأله جامعه امروز که مانع و سد اساسی هرگونه پیشرفت فکری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جنبش مردمی است، یعنی ولایت فقیه، به حمایت قاطع از آن می پردازد و سعی در جدا کردن این مقوله مهم با رشد و گسترش جنبش مردمی دارد. «گفتمان جدید» فقیهی در برخورد با جریانات حاد میهنان، و تأکید بر مسأله گفتمان سکولار و غیر سکولار نه، تنها پدیده جدید و نوظهوری نیست، بلکه هر روز و بکرات از طرق گوناگون واز زبان ذوب شدگان در ولایت، و از جمله شخص ولی فقیه رژیم، به گوش می رسد. همین مسأله نشان می دهد که تلاش فقیهی در نشان دادن چهره بی «نو» از خود، نسخه برداری بی ناشیانه از همفکران

مرتجعش در نهادهای سرکوب گراست، و قطعاً راه به جایی نخواهد برد. فقیهی وظیفه جریان «نواندیشی جدید» را مبارزه با تفکرات متحجرانه قلمداد می کند ولی در توضیح این مسأله هیچ گونه سخنی بر زبان نمی آورد. اما شارلاتانیسم سیاسی او وقتی از پرده بیرون می افتد که در حمایت از علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، او را «مظلوم» واقع شده بی تلقی می کند که مورد سوء استفاده جناحی خاص قرار گرفته است. فقیهی مشخص نمی کند این جناح توهمی زاییده تفکرات «نواندیشی» او چه کسانی هستند، در کدام نهادها فعالیت می کنند و دارای چه مناصبی هستند اما وقتی در اشاره به این جناح، در مصاحبه اش، می گوید که آنها اصلاً تا سال ۶۷ نبودند و فرسنگها با انقلاب فاصله داشتند، بخوبی مشخص می شود که منظور او اعضای «محترم» شورای نگهبان، خبرگان رهبری، قلم بدست مزدور و شکنجه گر در روزنامه های ارتجاعی کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی، اعضای مولفان فقیه و اعضای جنایت کار باندهای مافیایی و سرکوب رژیم ولایت فقیه نیستند. منظور اشخاصی همچون مصباح یزدی، امامی کاشانی، ناطق نوری، رفسنجانی و امثال اینان نیست. چون تمامی این اشخاص در قبل از حماسه دوم خرداد دارای مناصب کلیدی و مهم دولتی بودند و نقش اصلی را در روند تحولات بیست و دو ساله میهنان ایفا کرده اند. این همان نکته اساسی و ظریفی است که فقیهی و امثال فقیهی ها را به دام می اندازد. بخصوص اینکه با متهم کردن عناصر جبهه دوم خرداد به بی دینی، به شیوه تاریک اندیشانی همچون مصباح یزدی این حقیقت را به طور کامل آشکار می سازد که هدف او و همپالکی های پشت پرده اش نه ایجاد یک «تفکر نو» بلکه زمینه سازی برای منحرف کردن افکار عمومی از طریق شیوه های منسوخ شده است. تقلیل سطح مطالبات مردم به باورهای مذهبی توده های رنج و زحمت مغلطه بی است که نه فقیهی بلکه نیروهای سرکوب گری همچون مصباح یزدی سعی در استفاده از آن دارند، غافل از آنکه رشد و آگاهی توده ها، بخصوص طی چهار سال اخیر خلاف این امر را نشان داده است. سرکوب گران با بی اعتنائی آگاهانه نسبت به این مقوله مهم سعی دارند به خیال خود افکار عمومی را منحرف سازند. پدیده دوم خرداد رابطه مستقیم با سیاست های بیست و دو ساله گذشته رژیم ولایت فقیه دارد و در این هیچ گونه شکی نیست. اگر در این مسأله کوچکترین تردیدی بود، تأکید بیش از حد ذوب شدگان در ولایت مبنی بر اهتمام جدی مسئولان بر رفع نیازهای معیشتی توده ها معنایی دیگر می یافت. اما با آگاهی نسبت به این موضوع، امروز فقیهی در مسیر همان جریان با اشکال بظاهر نوین بدون اینکه صحبتی از مهم ترین مقولات مطرح در جامعه همچون آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی کند، سعی در کسب وجهه برای خود و در نهایت طرد شدگان از طرف توده ها را دارد. مگر می شود از خامنه ای به عنوان ولی فقیه رژیم حمایت کرد و دیگران را به جرم متحجر بودن طرد کرد. مفهوم تجر از دید فقیهی چیست؟ تفاوت خامنه ای به عنوان ولی فقیه رژیم با دیگران در چیست؟ مگر نه آن است که در پی هر حادثه تعیین کننده نه متحجرین ادعایی فقیهی بلکه شخص خود خامنه ای، به نمایندگی از طرف ارتجاع، وارد میدان می شود و به مخالفت آشکار، که بیان کننده روح سرکوب گری در بالاترین نهادهای حکومتی است، به سخن رانی می پردازد؟ پس عقلانیت و روشنفکری ولی فقیه رژیم در کجا نهفته است که فقط فقیهی و امثال او قادر به دیدن آنند؟ فقیهی می گوید که در جماعت اصلاح طلب، حرفهایی شنیده می شد که نشان می داد، گفتمان غالب، گفتمان سکولار شده است، اما باز هم در این مقوله راه سفسطه را پیش گرفته و به کلی گویی هایی پرداخته است. جنبش دوم خرداد یک جنبش اجتماعی عمیق و گسترده است که مخالف شیوه های حکومتی در قالب های کنونی است. شیوه های حکومتی فعلی در محتوا همانند دیگر دیکتاتوری ها در سایر نقاط جهان است با این تفاوت که شکل صوری آن مذهبی است تا اجرای برنامه های سرکوب گرانه با سهولت بیشتری صورت بگیرد. البته این نوع تفکر «نو» و ادعایی مختص فقیهی نیست و دیگر فعالان سیاسی جناح حکومتی طرفدار سرکوب هم در این زمینه دست به تقلایهایی زده اند. روزنامه «انتخاب» که به نظر می رسد

ادامه «نواندیشی دینی» ...

مجری این طرح کذایی است در سه شماره متوالی خود در تاریخ های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ بهمن، مصاحبه بی را با محمد جواد لاریجانی انجام داده است که محتوا و مضمون آن همسویی های مشترکی را با سخنان فقهی نشان می دهد. لاریجانی در جواب این سؤال که به نظر می رسد پس از گذشت نزدیک به چهار سال در حال حاضر نشانه هایی از نوسازی در جناح راست به چشم می خورد، می گوید: «پدیده ای که در داخل جناح راست در حال شکل گیری است این است که از دل این جناح سیاسی که ترکیبی است از تشکل های مختلف با اختلاف نظرهای مختلف، یک جریان نسبتاً قوی و مدرنی در حال تولد است. این جریان قوی اولاً دارای یک مرامنامه نسبتاً محکم سیاسی است. این پلاتفرم شامل یک تلقی خوب و درستی از دین اسلام و یک تلقی درست از حکومت و حکمرانی، زندگی مدنی و جامعه مدنی و تجمع سیاسی است و همچنین دارای تصور درست از توسعه کشور است.» لاریجانی در سرتاسر مصاحبه با سرهم بندی کردن جملات زیبا و تأکید بیش از حد بر توسعه و مشارکت دادن جوان ها در قالب های نواندیشانه خودش که مشارکت بر اساس کنترل از بالا می باشد در نهایت به همان راهی می رود که در تناقض با گفته هایش قرار می گیرد. مثلاً یکی از ویژگی های جریان جدید را متعهد بودن به یک رفتار مدنی و قانونمند می داند و در توضیح آن می گوید: «ما امروز فضای رقابت سیاسی مان، هم بد اخلاق است و هم بی قانون. بد اخلاق به معنای این که ما مثل آب خوردن، افراد را می توانیم متهم کنیم. از جاسوس شروع می کنیم، بعد فساد اخلاق و بعد فلان و فلان. کسی هم به کسی نیست و خیلی شلوغ تر از این حرف هاست.» کسانی که تحولات سیاسی ایران را دنبال می کنند، می دانند که این سخنان دو پهلوئی او نه انتقاد به قوه قضائیه رژیم استبداد بلکه آدرس عوضی دادن برای گمراه کردن خواننده است. چندین سطر پایین تر وقتی صحبت از قوه قضائیه می شود، دم خروس پیدا می شود، لاریجانی ضمن انکار رابطه جناح منسوب به خودش با این ارگان می گوید: «قوه قضائیه را به عنوان جناح نمی خواهم مطرح کنم، می خواهم بگویم که قوه قضائیه در دست جناح راست نیست. جناح راست بر قوه قضائیه سایه ندارد، موضع گیری های سیاسی است که این نمای سلطه را نشان می دهد.» خنده دار ترین قسمت این جواب آن است که لاریجانی بدون آنکه

متوجه باشد نشان می دهد که اصولاً جناح جدیدی که او ادعا می کند در حال شکوفایی است اصلاً وجود ندارد چون او در همین چند سطر در دفاع از جناح راست سخن بر زبان می راند در حالی که در اول ادعا کرده بود که او حامل اندیشه نو در حیات سیاسی ایران است. از این که بگذریم وقتی او می گوید «موضع گیری های سیاسی است که این نمای سلطه را نشان می دهد» این سؤال باز پیش می آید که پس تفاوت این جناح با تفکرات حاکم بر قوه قضائیه در چیست؟ لاریجانی باز هم در ادامه در اشاره به بستن روزنامه ها و همسویی جناحش با این اقدامات، می گوید: «جناح راست هم با بستن برخی از این روزنامه ها در ادبیات خودش هم آوا است. به این معنی که آنها هم فکر می کنند این روزنامه ها از حدود قانونی تجاوز کردند و به حریم اسلام و نظام صدمه زدند.» لاریجانی در تشریح حماسه دوم خرداد و شرکت میلیونی مردم در آن از روی ناچاری به قبول ظاهری آن تن در می دهد و با تئوریزه کردن این رویداد به شیوه خود می گوید: «مردم تحول می خواستند، اما تحول در چه؟ این تحول در چه را ما باید کشف کنیم. من معتقد هستم تحول در کارآمدی نظام، یعنی مردم می خواستند اگر به اداره ای می روند سردوانده نشوند؛ دادگاه ها حقوق آنها را رعایت کنند، نیروی انتظامی در حقوقشان دخالت نکند. گزینش، بی دلیل آنها را رد نکند. اما جمعی از اصحاب قلم در کشورمان آمدند به این تحول خواهی، معنا قالب کردند و این طوری القا کردند که مردم می خواهند حکومت از اسلام یک مقداری فاصله بگیرد. به نظر بعید است این برداشت درستی باشد.» لاریجانی هوشیار تر از آن است که نداند دلیل شرکت گسترده توده ها در انتخابات دوم خرداد ۷۶ و انتخابات بعد از آن به چه دلیل بوده است اما ریاکارانه سعی در کتمان آن دارد. همین موضوع نمی تواند دلیل کافی بر آن باشد که تمامی این جارو جنبال های تبلیغاتی هیاو برای هیچ است. همانطور که قبلاً گفته شد روزنامه انتخاب در این زمینه نقش اصلی را به عهده دارد. برای اینکه ریشه یابی این قضیه بیشتر مشخص شود اسناد به یکی از سرمقاله های این روزنامه در تاریخ سه شنبه ۲۵ بهمن قابل تامل است. انتخاب در تشریح مردم سالاری دینی می نویسد: «از سوی دیگر بر واضح است که شیوه «مردم سالارانه» در حکمرانی بر مردمی که قاطبه آن معتقد به دین هستند، خواه ناخواه بر مدار خواست و اراده دینی آنان می چرخد و این گونه نیست که لفظ «مردم» در ترکیب «مردم سالاری دینی» مانند همین لفظ در اصطلاح «مردم سالاری» صرف، غیر انضمامی و انتزاعی باشد. در اصطلاح «مردم سالاری» صرف، واژه «مردم» کاملاً صوری و خالی از محتوای واقعی است در حالی که در اصطلاح «مردم سالاری دینی» واژه «مردم» اشاره به عده ای از انسانهای واقعی دارد که دارای برخی ویژگی ها و خصوصیات عینی و ملموسند.» مسأله خیلی ساده است، این انسان های «واقعی» از دید روزنامه انتخاب قاعدتاً باید خبرگان رهبری، اعضای شورای نگهبان و شخص ولی فقیه باشند و لاغیر، و بنابراین صحبت از یک جریان «نو» یک خوش خیالی محض است. در خوشبینانه ترین برداشت جابه جایی مهره ها با حفظ ارگان های موجود است. شاید علی مشکینی، رئیس مجلس خبرگان این موضوع را بهتر بیان کرده باشد و روح سخنان فقهی، لاریجانی و روزنامه «انتخاب» به شکل بازتری متجلی ساخته باشد. وی در اجلاس اخیر خبرگان ولایت فقیه گفت: «ملاک این ولایت فقط صلاح دنیا و امور مردم است. ملاک این است که ولی بتواند صلاح امور مردم را به خوبی انجام دهد. مثلاً بر این اساس اگر ولی امت ببیند که در صورت شمارش صندوق های رای مسأله ای پیدا می شود، می تواند بگوید که لزومی ندارد، یا حتی اگر ببیند که از صد نشریه کشور ۳۰ نشریه نباشد و صلاح هست که نباشد این جزو ولایت اوست. این همان معنای ولایت است. پس ولایت مطلقه یک امری است که در تمام امور به صلاح ملت است.» این از

همان مسایل کلیدی جامعه امروز ایران است. فقهی و امثال او باید بگویند که آیا با این برداشت موافق هستند یا نه؟ مضمون سخنان تمامی «نواندیشان» چیزی خلاف آن را نشان نمی دهد، پس نطفه های این «نواندیشی» را باید در کجا جستجو کرد؟ در حالی که این ترنفدها هر روز نسبت به روز پیش آشکارتر می شود صحبت های همسو در این باره از طرف فعالان سیاسی جناح طرفدار اصلاح به این قضیه ابعاد جدیدی می دهد. به گزارش ایستا، چهارشنبه ۲۶ بهمن محمد نعمی پور، عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی، در یک میزگرد مطبوعاتی در پاسخ پرسشی مبنی بر اینکه آیا اظهار نظرهای اخیر برخی از چهره های جناح موسوم به راست، انفکاک مصلحتی برای عبور از انتخابات سال ۸۰ است، گفت: «من چنین تصویری ندارم [!] و گمان می کنم که بسیاری از آقایان در جناح راست، قواعد بازی سیاسی را بلدند، اما به خاطر آن که در جنبه یک فضای سنگین سیاسی قرار داشته اند و به واسطه روحیه های شیخو خییست موجود در جناح راست کمتر توانسته اند خود را بروز دهند و حرفشان را راحت تر بیان کنند. اما در حال حاضر این جسارت در برخی از عناصر جناح راست پیدا شده و گمان می کنند که آینده و حیثیت سیاسی شان وابسته به این است که از این جنبه، خارج شوند. البته ممکن است در پس این موضوع، مصلحت هایی هم وجود داشته باشد، اما در هر حال این امر، اصالت [!] دارد و در سوابق این افراد هم هیچ گونه برخورد های متکی به خشونت مشاهده نمی کنم یا کمتر شاهدیم.»

ایجاد و گسترش توهم نزد توده ها از طرف اصلاح طلبان مماشات گر، برای اولین بار نیست که اثرات زیان بار خود را بر جا می گذارد. میهن ما دوران بسیار حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذراند. مرتجعان حاکم با تمام قوا و ترنفدهای گوناگون، از محاکمه، زندان، کشتار، ضرب و شتم گرفته تا بازی های جدید با نام «نواندیشی دینی» سعی دارند کنترل اوضاع را تحت اختیار خود درآورند. مبارزه قاطع با این اقدامات و ترنفدهای از مد افتاده برای آگاهی دادن به توده ها شکست سرکوب گران را در پی خواهد داشت. جنبش مردمی بررغم دشواری های فزاینده، با کوله باری از تجربه هر روز با قدم های استوار تری به پیشرفت خود ادامه می دهد.

ادامه امنیت در «نظام ولایت فقیه» ...

اندیشی همچون مصباح یزدی و فقهای شورای نگهبان نیست، بلکه مشکل رژیم مشروعیّت آن و ادامه این شیوه استبدادی حکومت بر خلاف خواست و اراده ده ها میلیون ایرانی است.

لاریجانی، از نظریه پردازان ارتجاع حاکم، با درک همین واقعیت است که بی پروا تر از انصاری واقعیت زندگی در رژیم «ولایت فقیه» را اینگونه توضیح می دهد: «از نظر ما ولایت فقیه عمود سقف مقدس نظام جمهوری اسلامی است و هرگونه تزلزلی در آن سقف را بر سر همه خراب خواهد کرد، باید این عمود را برای پایداری کل نظام بخواهیم و آن را خرج امیال زود گذر جناحی نکنیم.»

به گفته لاریجانی، اصل ولایت را حتی با فرزندم نیز نمی توان تغییر داد. یعنی اگر فردا فرزندامی هم برگزار شود و مردم بر ضد ادامه رژیم «ولایت فقیه» رأی دهند، سران رژیم که لاریجانی از نظریه پردازان آنست، آمده اند تا با استفاده از سرکوب اجازه ندهند تا اراده مردم جاری شود. لاریجانی در این زمینه می گوید: «در تجمعات مدنی و سیاسی امروز بشر، ایجاد وحدت نیازمند دو عنصر عقلانیت پایه و نظم مشروع و مسیطر می باشد که در جامعه ما اسلام و حکومت ولایت فقیه است و جزئیات آن در قانون اساسی آمده است. این اصول که حتی با فرزندم هم نمی توان تغییر داد اساس وحدت ملی و به تبع آن امنیت ملی ما را تعیین می کند.» (همانجا).

لاریجانی در این سخنان هوشیارانه در واقع پاسخی به برخی از اصلاح طلبان جبهه دوم خرداد نیز می دهد که شعار «انتخابات را به فرزندم» تبدیل کنید، از جانب جناح او امری غیر قابل قبول و از جمله خط های سرخی است که هیچکس اجازه عبور از آنرا ندارد. در ساختار حکومتی که لاریجانی و شرکاء برای میهن ما تجویز می کنند، اصولاً مردم نقشی جز عبودیت رهبری تا حد ذوب در نظرات و خواست های او ندارند و بقیه مسایل و خواست ها شعارهایی است برای تزئین کردن سیمای کریه و ضد مردمی رژیمی که اساسش در تناقض آشکار و جدی با خواست های مردم قرار دارد. لاریجانی این نظریه را تا آنجا بسط می دهد که مقوله امنیت در جامعه را نیز وابسته به اطاعت مردم از رهبری اعلام می کند و می گوید: «اموری که تمسک مردم به اسلام و یا رابطه اطاعت مردم از حکومت را سست کند مخل امنیت است.»

برخورد قوه قضائیه و دستگاه های سرکوبگر رژیم نیز با مقوله امنیت بر همین اساس است. جرم «تشویش اذهان عمومی» که «ولی فقیه» آنرا به مطبوعات مدافع اصلاحات نسبت داد نیز بر پایه چنین دیدگاه هایی تبیین شده است. بر اساس این دیدگاه به حکومت، هرگونه حرکت، نظر و فعالیت سیاسی که تزلزلی در امر اطاعت مردم از حاکمیت ارتجاع ایجاد کند، مخل امنیت عمومی است و از همین روست که دگراندیشان و روزنامه نگاران مدافع اصلاحات در سلول های انفرادی زیر فشار قرار دارند و دقیقاً با اتکاء به چنین نظراتی است که هزاران انسان مبارز و انقلابی در ده سال گذشته به جرم «اخلال در امنیت عمومی» به جوخه های اعدام سپرده شده اند. این نظریه لاریجانی نیز نظریه بکر و جدیدی نیست. در دوران رژیم ستم شاهی نیز انقلابیون و مبارزان راه آزادی به جرم قیام بر ضد امنیت ملی به زندان و شکنجه گاه و سرانجام به چوبه های اعدام کشانده می شدند. اینهم سند محکمی در باز تولید «نظام سلطنتی» در شکل مذهبی آن.

حکومت «ولایت فقیه» رسوا تر و منفور تر از آنست که بتوان آنرا با تئوری بافی پیرامون تبلیغات بد تطهیر کرد. لاریجانی و شرکاء نیز این موضوع را خوب می دانند و از همین روست که بی پروا تأکید دارند که اصل «ولایت فقیه» به حلقه اساسی حاکمیت استبدادی در میهن ما اصلی غیر قابل مذاکره است که باید آنرا بی چون و چرا اطاعت کرد. کافی است به آقای لاریجانی یادآوری کنیم که ما اطمینان داریم که مردم ما با «ولی فقیه» و رژیم «ولایت فقیه» همانرا خواهند کرد که با «شاهنشاه سایه خدا» و رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی کردند. حکم تاریخ بی شک غیر از این نخواهد بود.

افکار عمومی جهان، حمله امپریالیستی به عراق را محکوم می کند!

بمباران خاک عراق توسط هواپیما های جنگی آمریکا و انگلستان، در ۲۸ بهمن ماه بار دیگر منطقه خلیج فارس و خاورمیانه را در بحران جدیدی فرو برد. مقامات آمریکایی تأیید کردند که، ۲۴ هواپیمای جنگنده با استفاده از موشک های مدرن دوربرد، مراکز دفاع ضد هوایی و مواضع حساس نظامی در حوالی بغداد را بمباران کرده اند. دولت عراق در بیانیه خود این حقیقت را که در حملات اخیر مراکز مسکونی مورد اصابت قرار گرفته اند، افشاء کرد. ایالات متحده و انگلستان، در توجیه تشدید حملات هوایی خود، که در ماه های اخیر ادامه داشته به کشتار شماری از مردم بیگناه عراق منجر شده است، آن را برای مهار قدرت نظامی عراق ضروری و اجتناب ناپذیر اعلام کردند. ولی بسیاری از تحلیل گران سیاسی بی طرف اذعان داشتند که این حملات تنها بهانه بی برای قدرت نمایی ایالات متحده، بحرانی کردن شرایط برای توجیه ادامه تحریم فلج کننده بر ضد عراق، و حضور هرچه بیشتر نیروهای این کشور در منطقه است. در ماه های اخیر، بسیاری از کشورهای جهان با سازمان دادن مسافرت هیئت های دیپلماتیک و تجاری توسط هواپیما به عراق، عملاً به نقض سیاست تحریم اقتصادی تحمیلی از سوی امپریالیسم آمریکا اقدام ورزیده اند.

روسیه و فرانسه، به طور رسمی مخالفت و اعتراض خود را به آمریکا و انگلستان اعلام کردند، و این حرکت را تنها در جهت کشتار مردم بیگناه خواندند، و آن را بی تاثیر دانستند. بولنت اجویت، نخست وزیر ترکیه، در رابطه با اینکه از قبل در جریان این بمباران قرار نگرفته بود به متحدان ناتوی خود حمله کرد، و خواستار خاتمه این حملات شد.

چین نیز حمله هوایی آمریکا و انگلیس به عراق را نقض حاکمیت عراق دانست و محکوم کرد. روسیه و سوریه، در بیانیه مشترکی، این حملات را محکوم کرده و خواهان یک راه حل سیاسی شدند. دبیر کل جامعه عرب نیز گفت: «این حمله که به کشته شدن تعدادی شهروندی گناه منجر شده است، هیچ توجیهی ندارد، قوانین بین المللی را نقض کرده و به خشم و نگرانی در دنیای عرب دامن زده است. کوبا نیز حمله «جنايتکارانه» و نقض دائم حریم هوایی عراق را محکوم کرد.

جرج بوش رئیس جمهوری آمریکا، در اولین تصمیم گیری های خود، ادامه سیاست دولت پیشین در رابطه با عراق را مورد تأکید قرار داد. بوش کمک مالی دولت آمریکا به نیروهای مخالف صدام، که تحت نام «کنگره ملی عراق» INC فعالیت می کنند را مورد تأیید قرار داد. این کمک مالی که بالغ بر ۵ میلیون دلار است، در ابتدا برای «جمع آوری اطلاعات» در داخل عراق به کار گرفته خواهد شد. به بیان دیگر جاسوسی به شیوه کلاسیک آن و با به خدمت گرفتن ماموران مخفی در درون رژیم صدام. چند سال پیش نیز کنگره آمریکا ۱۱۰ میلیون دلار را به این کار اختصاص داد، اما با افتضاح سال ۱۹۹۶، دولت کلینتون چندان مایل نبود تا این برنامه را ادامه دهد. در این سال INC به کمک سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) در شمال عراق دست به ایجاد پایگاه نظامی زد، اما نیروهای ویژه صدام توانستند با کمک نیروهای محلی، این پایگاه ها را به طور کامل منهدم سازند، که نتیجه آن کشته شدن صدها نفر از افراد INC و دستگیری تعداد کثیری از ماموران سازمان سیا بود. بررغم این تجربه تلخ، ایالات متحده در نظر دارد تا دوباره INC را بازسازی کند و به عنوان آلترناتیو در برابر رژیم صدام قرار دهد.

شیوه دیگر دولت بوش برای ساقط کردن صدام، افزایش تحریم های اقتصادی و فشارهای نظامی است، آنچه که دولت کلینتون هیچ سودی از آن نبرد و نتیجه آن تنها فشار بیشتر بر روی مردم عادی عراق بود، فشاری که رنج، گرسنگی، بیماری و مرگ را به همراه داشت.

بدنبال افزایش فشارها بر عراق و تصمیم آمریکا برای سرنگونی صدام به هر قیمتی که شده، ریچارد پرل، رئیس امنیت سیاسی دولت بوش، در این مورد گفت که، همه دنیا باید بدانند که ما صدام را ساقط خواهیم کرد، و در این راه به تمامی «مبارزین آزادی»، تا پایان کار، یاری خواهیم رساند.

نگاهی به رویدادهای جهان در هفته ای که گذشت

ایالات متحده در دفاع از سیستم ضد موشکی

در جلسه مشترک سالانه سیاسی و نظامی ایالات متحده و اتحادیه اروپا، که در مونیخ برگزار شد، رامسفیلد نماینده ایالات متحده، از طرح ایجاد «دفاع ضد موشکی موسوم به NMD» قاطعانه دفاع کرد و آن را اجتناب ناپذیر دانست. رامسفیلد اضافه کرد که، آرزوی جرج بوش برای ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی (که فرزند جنگ ستاره ها نامیده است)، و هیچ انسانی را تهدید نمی کند و گفت که اتحاد شوروی نابود شده است، روسیه تغییر کرده است، آن دوران (جنگ سرد) در زندگی ما به پایان رسیده است، آیا ما نمی خواهیم آن را به فراموشی بسپاریم؟

در جریان این اجلاس، مذاکرات بی نتیجه ای بین «گرهارد شرودر» صدر اعظم آلمان و رامسفیلد صورت گرفت، که در آن رامسفیلد ایجاد این سیستم را برای ایالات متحده ضروری خواند. او تاکید کرد که، این موشک ها برای آن در نظر گرفته شده اند تا بتوانند در برابر «حملات» موشکی از سوی کشورهای چون ایران، عراق و کره شمالی، دفاع کنند.

بسیاری از کشورهای اروپایی معتقدند که قرارداد سال ۱۹۷۲، موسوم به ABM، که بین اتحاد شوروی و ایالات متحده به امضا رسید، طرح خوبی برای کنترل سلاح اتمی و محدود کردن تولید آنها است، اما تمامی آنها مترصد آن هستند که ایالات متحده از رعایت این قرارداد امتناع ورزد. در چند سال اخیر ایالات متحده اصرار کرده است تا در مفاد این قرارداد تجدید نظر شود، یعنی آنچه که تا کنون با مخالفت روسیه روبه رو گردیده است.

سیستم دفاع ضد موشکی، طی سال های اخیر نگرانی های فراوانی را در میان نیرو های صلح طلب و ضد جنگ، ایجاد کرده است. سیاست های برتری جویانه، باعث آن شده است تا کشورهای دیگر نیز تهدید به ساخت و گسترش سلاح اتمی و دفاعی خود کنند که به نوبه خود بر حجم سلاح امحاء جمعی در جهان می افزاید.

در مقابله با طرح ایالات متحده برای ادامه ایجاد دفاع ضد موشکی، روسیه و چین اعلام کرده اند که در صورت عدم توقف این طرح، آنها نیز ناچار خواهند شد تا به ایجاد سیستمی مشابه اقدام کنند، آنچه که می تواند آغاز گر جنگ سرد جدیدی شود. در ادامه این اعتراض ها، برخی از کشورهای اروپایی نظیر آلمان، فرانسه و سوئد، به صورت رسمی از ایالات متحده خواسته اند تا ادامه این طرح را متوقف سازد.

آنچه را که ایالات متحده، دفاع ضد موشکی می خواند و به بهانه حمله احتمالی موشکی از سوی کشورهای چون ایران، عراق و کره شمالی، اقدام به ایجاد آن کرده است، چیزی غیر از به دست آوردن سرکردگی نظامی در جهان نیست، تا بتواند به وسیله آن سیاست های نظامی و اقتصادی خود را به جهانیان تحمیل کند. بویژه در شرایط کنونی جهان، که به سوی چند قطبی شدن می رود و طرفداران این نظریه در تلاشند تا با قدرت نظامی خود در محدوده وسیعتری نفوذ خود را گسترش دهند، رقابت در این زمینه می تواند به یقین خطری جدی برای تمامی جهان باشد.

در رقابت با ایالات متحده، از سویی روسیه قرار دارد که با توان نظامی خود و به عنوان مطرح ترین نیرویی که با آمریکا می تواند برابری کند، تلاش دارد تا جمهوری های سابق اتحاد شوروی کشورهای همجوار آسیایی و اروپایی خود را، تحت نفوذ خود بگیرد. از سویی دیگر اتحادیه اروپا قرار دارد که در

تلاشی عاجل و عظیم، در تدارک تشکیل ارتش واکنش سریع خود است که مجهز به مدرنترین موشک ها و تجهیزات نظامی خواهد بود. در آسیا نیز چین با داشتن ارتشی مجهز و آماده و هندوستان و پاکستان با برخورداری از سلاح اتمی، حرف های بسیاری برای گفتن خواهند داشت.

حمله پلیس به کارگران اعتصابی

در چهارمین روز تحصن ۷۰۰ کارگر اخراجی (کارخانه اتومبیل سازی داتسو در کره جنوبی) بیش از ۴۰۰۰ پلیس ضد شورش، در حمله بی غافلگیرانه به کارخانه، در صدد خاتمه، این اقدام اعتراضی کارگران و خانواده هایشان بر آمدند. نیروهای امنیتی با استفاده از ماشین الات مخصوص سنگر های ایجاد شده توسط کارگران را درهم کوبیدند و به کارگرانی که در ساختمان های مرکزی تولیدی پیوسپونگ، در ۳۰ کیلو متری سئول پایتخت کره جنوبی، پناه برده بودند حمله کردند.

هزاران پلیس ضد شورش همچنین چندین بار به کارگرانی که جهت همبستگی با کارگران متخصص در بیرون کارخانه گرد آمده بودند، حمله کردند. چندین کارگر داتسو و در جریان تهاجم پلیس زخمی شده و به بیمارستان ها منتقل شدند. پلیس در صدد دستگیری ۲۲ تن از رهبران اتحادیه های کارگری به جرم سازمان دهی تظاهرات در اعتراض به اخراج ۱۷۵۰ کارگر در روز ۲۸ بهمن ماه می باشد. داتسو و که سومین کارخانه بزرگ تولید اتومبیل در کره جنوبی است سال گذشته ورشکست شد. بدنبال اعلام اعتصاب در اعتراض به اخراج کارگران، تمامی تولید در مرکز تولید اتومبیل پیوسپونگ متوقف گردید. کارفرمایان در صدد تعطیل مرحله به مرحله کارخانه اند. خط تولید اصلی کارخانه در روز ۱۸ بهمن تعطیل شد و لیکن خطوط فرعی و نیز بدنه تا روز اعتصاب به کار خود ادامه دادند. کارفرمایان سعی داشتند که با تطمیع کارگران آنها را در مقابل دریافت یک ماه حقوق بطور داوطلبانه به استعفا ترغیب کنند. کیم ایل سئوب، رهبر سندیکایی کارگران معترض با مردود شمردن پیشنهاد کارفرمایان، آن را به مثابه «بازی اعدام کنندگان ابا قربانیان خود دانست...» فدراسیون صنایع کره به اتحادیه کارگران اولتیماتم داده است که به اعتصاب خاتمه دهند و به کارهای خود باز گردند. که بشود کمپانی را فروخت. دولت کره جنوبی در صدد پیدا کردن یک خریدار خارجی برای کارخانه داتسو است.

کمپانی عظیم جنرال موتورز آمریکا که کارخانه فیات را نیز به خود ملحق کرده

است نسبت به خرید کارخانه داتسوهازار علاقه کرده است.

امضاء قرارداد میان ترکیه و اسرائیل

مقامات سازمان آب ترکیه، در ۸ بهمن موافقتنامه های اولیه ای را با تل آویو در مورد صدور آب از این کشور به اسرائیل امضاء کردند.

آب یکی از حساسترین مسایل در خاورمیانه است. عراق و سوریه قویا برای مصارف آب آشامیدنی، زراعی و تولید انرژی به رودخانه های فرات و دجله که هر دو در خاک ترکیه سرچشمه دارند، متکی اند. ترکیه و اسرائیل در رابطه با موافقتنامه برای فروش ۵۰ میلیون متر مکعب آب در سال در حال مذاکره بوده اند. سازمان آب ترکیه در بیانیه ای اعلام داشت که مذاکرات بین مقامات رسمی دو کشور بر سر یک پروژه برای ایجاد یک انشعاب به سوی اسرائیل در نزدیکی دهانه رودخانه مانا و گات با موفقیت پایان یافته است. بیانیه مزبور اضافه می کند: «کمیته ها در مورد مقدار و عملی بودن صادرات آب تبادل نظر کرده اند و پس از حصول موافقت در مورد بسیاری از موضوعات، تصمیم گرفته اند که مذاکرات خود را در مورد جزئیات تکنیکی پروژه در ماه های آینده ادامه دهند. عراق در ماه گذشته، ترکیه را متهم کرد که در راه رهبری یک موافقتنامه سه جانبه که با این کشور و سوریه امضاء شده، مانع ایجاد می کند.

عراق و سوریه هر دو معتقدند که جریان کنونی آب از ترکیه کافی نیست.

بحران سیاسی در ترکیه

به دنبال مرگ یک نماینده در جریان کتک کاری میان نمایندگان پارلمان ترکیه، در روز ۱۲ بهمن، حزب اپوزیسیون «طریق حق» خواستار استعفای بولنت اجویت، نخست وزیر این کشور شد. قرضی سیهانلیوقلو به دلیل مخالفت با تصویب سریع قانون خصوصی کردن صنایع در جریان بحث پارلمان توسط جاهد تکلیو قلو، نماینده راست افراطی از حزب عمل ناسیونالیستی، مورد حمله قرار گرفت. حزب عمل ناسیونالیستی در ائتلاف سه حزب حاکم قرار دارد. خانم تانسو چیلر، رهبر حزب «طریق حق» گفت: «شرافتمندانه ترین عمل در این شرایط استعفاء است.» «به همین دلیل است که ما نخست وزیر و معاون سخنگوی پارلمان را فرا می خوانیم که استعفا کنند.» او توضیح داد که نماینده مقتول مورد پنج، شش ضربه مشت به ناحیه سر قرار گرفته است. دولت ترکیه، زیر فشار صندوق بین المللی پول، در صدد است که قانون خصوصی کردن صنایع را سریعا به تصویب برساند. احزاب اپوزیسیون معتقدند که، پیشنهادات دولت برای تسریع روند تصمیم گیری مانع بحث همه جانبه شده و صدای اپوزیسیون را خاموش می کند. حزب عمل ناسیونالیستی در حملات اوباشگرانه سابقه طولانی دارد. در سالهای دهه ۷۰ اعضای آن به احزاب و نیروهای چپ و طرفداران نیروهای مترقی حمله می کردند.

حمله کمونیستهای روسیه به دولت پوتین

حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در ۲۶ بهمن ماه، اولین حمله هماهنگ و حساب شده خود به دولت پزیدنت پوتین را سازمان داد، سخنگویان حزب اظهار داشتند که حزب کمونیست روسیه در جهت رای عدم اعتماد به دولت فعالیت خواهد کرد.

خطر جنگ افروزی های جدید اسرائیل در منطقه

فلسطین بوجود بیاید. دولت شارون به طور یقین از طرح های خود، که فلسطین با آنها مخالف است، عقب نشینی نخواهد کرد و در شرایط موجود دست به تعرض نیز خواهد زد. بنا به خواست اسرائیل، این کشور خواستار باقی ماندن واحد های ارتش خود در بخش هایی از کرانه غربی، نوار غزه و اورشلیم است، حضوری که به مفهوم کنترل این مناطق است. با چنین شرطی ایجاد کشوری مستقل بنام فلسطین در عمل، غیر ممکن است. آنچه که به وجود می آید، دولتی خودگردان، تحت تسلط نظامی و اقتصادی اسرائیل خواهد بود.

پس از انتخابات اسرائیل، یاسر عرفات اعلام کرد که، به مذاکرات صلح تا رسیدن به صلحی پایدار، تا زمانی که بتواند به حاکمیت و استقلال فلسطین دست یابد، ادامه خواهد داد. وی همچنین اشاره کرد که، ما آماده می شویم تا با شارون روبه رو شویم، اما او باید بدانند که جنایتی را که او مرتکب شده است از اذهان بیرون نخواهد رفت و هرگز فراموش نخواهد شد.

همچنین، مسئول امور امنیتی دولت خود مختار فلسطین، در نوار غزه، در مورد انتخاب شارون گفت: «اگر قرار باشد کسی از انتخاب شارون صدمه ببیند، در وهله اول خود اسرائیلی ها خواهند بود. این مردم اسرائیل هستند که باید نگران باشند. اگر اشتباهی صورت گرفته است و اگر حماقتی شده باشد، شما اولین کسانی خواهید بود که قربانی آن خواهید شد... نخست وزیر (شما) و سیاست های او می خواهند صلحی را که طبق خواست آنهاست به ما تحمیل کنند، آنچه که مغایر با خواست فلسطینی هاست... این ممکن است ما را به حمام خون دیگری وارد کند... ما به انتخاب مردم اسرائیل احترام قایلیم و امیدواریم که روند صلح همچنان ادامه یابد.»

در چند روز اخیر، حملات اسرائیل شدت یافته است و تعداد بیشمار دیگری از فلسطینی ها به خاک و خون کشیده شده اند. همچنین بر تعداد نیروهای نظامی اسرائیل در منطقه نیز افزوده شده است. از سوی دیگر، در نشان دیگری از ادامه حمایت یکپارچه ایالات متحده از ارتجاعی ترین محافل افراطی اسرائیل، اخیراً مانور مشترکی با شرکت نیروهای نظامی ایالات متحده و اسرائیل انجام گردید. این عمل در واقع تهدیدی آشکار از سوی ایالات متحده در جهت تحمیل شرایط اسرائیل بود و اعلام صریح پشتیبانی دولت بوش از مواضع غیر منصفانه نخست وزیر جدید اسرائیل دانست. با وجود شارون در راس دولت اسرائیل، و سیاست های جنگ طلبانه او، آینده مذاکرات صلح در ابهام فرو رفته است.

خالی آنها و سنگ بود. علاوه بر این تعداد کثیر دیگری بر اثر تیراندازی سربازان اسرائیل زخمی شدند. در چنین اوضاعی، بروی کار آمدن دولت شارون، که بمراتب انعطاف ناپذیر تر است، شرایط بفرغ تر و مشکل تری را بوجود خواهد آورد. انتخاب شارون، که مسبب کشتار فلسطینی ها در «صبرا» و «شیتلا» است، روند صلح را با خطری جدی روبرو کرده است. شارون و حامیان ماورأ راست وی برای روند صلح، دموکراسی و مردم فلسطین خطرناک هستند و حضور وی در صحنه زنگ خطری برای شروع جنگی جدید است، جنگی که نه تنها فلسطینی ها بلکه تمامی منطقه را تهدید می کند.

انتظار داشتن از شارون برای اقدام در جهت صلح تقریباً غیر ممکن می نماید. شارون همان کسی است که در اوج بحران مذاکرات صلح، مسبب درگیری های اخیر شد، درگیری هایی که مذاکرات صلح را به طور کامل متوقف ساخت و سبب وخیم تر شدن شرایط شد. همان گونه که شارون خطرناک است، نباید سیاست های باراک را در به قدرت رسیدن شارون نادیده گرفت. تاریخ بخوبی نشان داده است که دولت هایی که سیاست های آنها مبتنی بر گسترش مسکن سازی و اسکان اسرائیلی ها در مناطق اشغالی و تشدید فشارها و حملات نظامی به مردم فلسطین بوده است، زمینه را برای رشد نیروهای ماورأ راست و افراطی فراهم کرده و می کنند. پس از انتخاب شارون، ضمن افزایش فشار های نظامی، ارتش اسرائیل اقدام به تخریب مناطق مسکونی فلسطینی ها کرد. یکی از سخنگویان ارتش اسرائیل در این مورد گفت، اماکنی که تخریب شده اند، محل فعالیت های تروریستی بود و از این نظر لازم بود که تخریب شوند. از این ساختمان ها، تروریست ها به سوی اسرائیلی ها شلیک می کردند و در آنها مواد منفجره می ساختند. بر اثر افزایش خشونت های اسرائیلی ها، پیش بینی می شود که بسیاری از فلسطینی ها دوباره به آن سوی رود اردن نقل مکان کنند و یا در مناطق جنوبی لبنان مستقر شوند.

مدتی کوتاه پس از پیروزی شارون، ارتش اسرائیل به حال آماده باش در آمده است، و از سوی دیگر، ناوهای هواپیما بر و نیروهای نظامی آمریکا نیز به طرف خاور میانه حرکت کرده اند، و این احتمال داده می شود که در حملات و درگیری های احتمالی آینده، آمریکا به پشتیبانی کامل اسرائیل خواهد پرداخت. اما در صورت ادامه مذاکرات صلح نیز، نمی توان انتظار داشت تا شرایطی مناسب برای

انتخابات اسرائیل سرانجام با پیروزی شارون به پایان رسید. شارون زمانی به پیروزی می رسد که مردم اسرائیل در چهره انتفاضه قهرمانانه خلق دردمند فلسطین شاهد شکست دولت اهود باراک برای تحمیل شرایط یک جانبه بوده اند. در انتخابات گذشته، زمانی که باراک به پیروزی رسید، مردم امید داشتند که او بتواند قدم های مثبتی در راه برقراری صلح بردارد. اما با پیروزی شارون آینده روشنی را نمی توان برای صلح پیش بینی کرد. در این میان، باراک با سیاست های خود نقش بسزایی را در پیروزی شارون ایفا کرد. دو سال پیش، باراک پس از پیروزی در انتخابات، در اولین اقدام خود، نیروهای اسرائیلی را از جنوب لبنان خارج کرد و این امید را ایجاد کرد که بتواند این روند را در رابطه با بلندی های جولان در سوریه و فلسطین نیز ادامه دهد. اما پس از مدتی مذاکرات صلح با فلسطین را متوقف ساخت و حاضر نشد با شرایط مساوی حقوق برابر به مذاکرات ادامه دهد و آنچه را که قرار داد صلح می نامید به واقع تحمیل نظریات و شرایط اسرائیل بود. پس از مخالفت های جدی دولت خود مختار فلسطین با کارشکنی های باراک، دولت وی تقریباً تمامی راه های مذاکره را مسدود کرد و با دست زدن به فشار های نظامی و اقتصادی، مذاکرات را هرچه بیشتر به بن بست کشانید.

از سویی دیگر باراک با عدول از اجرای موافقت نامه های قبلی از خروج نیروهای اسرائیلی از مناطق اشغالی، بوژه اورشلیم، نوار غزه و کرانه غربی امتناع کرد. پس از آن نیز برغم مخالفت های جدی، که وجود داشت، مسکن سازی و اسکان اسرائیلی ها در مناطق اشغالی را ادامه داد و بسیاری از اسرائیلی ها را به این مناطق منتقل کرد، آنچه که خلاف توافق های اولیه بود. همچنین در مناطق اشغالی اقدام به جاده سازی های وسیع شد تا نیروهای نظامی اسرائیل بتوانند سریعتر در این مناطق جا به جا شوند. این جاده ها بصورتی ساخته شده اند که نوار غزه و کرانه غربی را از سایر نقاط فلسطین جدا می سازد.

از دیگر اقدام های باراک، تخریب مناطق مسکونی و قطع آبرسانی به مناطق فلسطینی نشین بود. بخش دیگر این تنبیهات و فشار های اقتصادی، بستن راه های ورودی اسرائیل به روی فلسطینی ها بود، به روی کسانی که سال های سال در اسرائیل کار کرده بودند. این حرکت سبب شد تا این افراد و خانواده های آنها در شرایط بسیار بد و بفرنج اقتصادی قرار بگیرند. نتیجه این اقدام افزایش موج نارضایتی ها، درگیری های خیابانی و سرانجام خشونت های نظامی بود که در آن سربازان اسرائیلی مردم بیگناه و غیر مسلح فلسطین را به خاک و خون کشیدند. در جریان این درگیری ها قریب ۵۰ نفر از سربازان اسرائیلی کشته شدند و در مقابل بیش از دهها برابری آن، فلسطینی های غیر مسلحی کشته شدند که تنها سلاح آنان دستان

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 603
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

26 February 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
۷۹۰۰۲۰۵۸۰
کد بانک
۱۰۰۵۰۰۰۰
بانک
Berliner Spar-



ضمیمه ۶۰۳، دوره هشتم
سال هفدهم، ۱۶ اسفند ماه ۱۳۷۹

«مشت و چماق سرکوب قضات» تأملی بر بیانیه دفتر تحکیم وحدت

بحران های ساخته و پرداخته جناح همیشه حاکم گشته اند. به مرور، گروه های غیر قانونی فشار، جای خود را به گروه های شبه قانونی سپرده اند و فشاری که دیروز با ضرب مشت و چماق و تهمت و دشنام سخنگویان با اصلاحات را می کردید، امروز با حکم قضات و ارباب بازرجویان و باز هم تهمت و دشنام، نه تنها جبهه اصلاح طلب، بلکه کیان عدالت در نظام جمهوری اسلامی را مورد هجوم مستقیم و همه جانبه قرار داده است و جمعی ذی نفوذ بر آن است تا به نام قانون، عدالت و انصاف را به قربانگاه برد و به نام دین، قانون را که برآمده از آرای ملت و نمایندگان منتخب آنان است، ذبح شرعی کند و آنگاه آزادانه، حکم خود را صادر کند. گویا بنا است آنچه دیروز با چماق چماق داران محقق نشده، با قلم قاضیان جاری شود. این بار دستگاه قضایی جنبش اصلاح طلب دانشجویان را هدف قرار داده و بر آن است تا با دستگیری فعالان حال و گذشته این جریان، مخصوصاً آنان که جسارت ورود به عرصه اختصاصی و خط قرمز عالیجنابان به خود داده اند، انتقام ضربه کاری ملت ایران به قدرت جناح همیشه حاکم در انتخابات مجلس ششم را از دانشجویان بستانند» بیانیه در ادامه

• «جمعی از ارباب قدرت برآند تا با فشار آوردن به زندانیان سیاسی، ضمن پیش بردن پروژه تنگین توابع سازی، نمایشنامه قدیمی دشمن تراشی را مجدداً بر روی صحنه بیاورند و به اجبار اعتراف بگیرند که نیت اصلاح طلبان براندازی بوده است... دادگاه های قرون وسطایی تفتیش افکار، در هزاره سوم با کشف افکار و نیات مجرمانه، عده ای را به جرم حضور در یک مکان محکوم و عده ای دیگر را تبرئه می کنند. بیان عقیده جرم و اندیشیدن کفر تلقی می شود.»

با شدت گرفتن تنش ها و درگیری ها بخصوص در هفته گذشته بار دیگر اقدامات قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه بر ضد جنبش مردمی بحث اصلی محافل سیاسی داخل و خارج از کشور بود. به دنبال سخنان فاطمه حقیقت جو در جلسه روز یکشنبه ۷ اسفند مجلس که ولی فقیه رژیم مستقیماً مورد خطاب قرار گرفت، دفتر تحکیم وحدت نیز در رابطه با اوضاع جاری کشور اقدام به انتشار بیانیه ای کرد. در این بیانیه که «اینا»، چهارشنبه ۱۰ اسفند آن را مخابره کرد آمده است: «در چهار سال آکنده از بحران، اصلاح طلبان، مخصوصاً روزنامه نگاران و دانشجویان، هزینه سنگین اصلاحات را صورانه پرداختند و شریک صادق ناخدای کشتی طوفان زده اصلاحات، در مقابله با

با اشاره «ولی فقیه» دور تازه یورش ارتجاع آغاز شد

دانشجویان این ادعا که نسل سوم انقلاب از «ارزشها و معیارها» دور شده است را رد کرد و در ادامه ضمن ایراد یک سری سخنان عوام فریبانه در «دفاع از آزادی»، حرکت برای اصلاحات و نیروهای مدافع اصلاحات را به «محرابه با نظام» متهم کرد و گفت: «هر حرکت و تلاشی که با قصد براندازی آغاز شود شروع به محاربه است و حکم محاربه هم در حکومت و هر نظامی معلوم است.» وی در بخش دیگری از سخنانش در پاسخ به سئوالی درباره مطبوعات و برخورد های قوه قضائیه زیر نظر او گفت: «نظارت بر مطبوعات در درجه اول بر عهده دستگاه های دولتی است. اگر دستگاه های دولتی به هر دلیلی نتوانستند وظیفه خود را انجام دهند نوبت به دستگاه قضایی می رسد و اگر مطبوعات بعد از چند بار تذکر دستگاه قضایی، اشتباه خود را اصلاح نکردند، قاضی مجبور است حکم بدهد و در این صورت، دیگر کسی نباید از قاضی گله مند باشد.» وی گفت: «هیچکس حتی رهبری حق دخالت در کار دادگاه را ندارد» و قاضی باید بتواند آزادانه داوری کند و کار خود را انجام دهد و نباید در مخالفت و حکم وی جو سازی شود. «ولی فقیه» رژیم فراموش می کند که می تواند در کار مجلس شورای اسلامی یا حکم «ولایتی» دخالت مستبدانه بکند ولی حق دخالت در کار قاضی را ندارد. البته این ادعای خامنه ای با سخنان علیزاده، رئیس دادگستری تهران، که بستن مطبوعات را نتیجه دستور «ولی فقیه» اعلام کرده بود نیز در تناقض است. خامنه ای همسو با روزنامه کیهان که مشغول پرونده سازی بر ضد جنبش مردمی است، گفت: «اخیراً سازمان سیا، اسناد خود در باره نقش سیا در مطبوعات ایران، قبل از کودتای ۲۸ مرداد را، منتشر کرده است که این نشان می دهد برخی روزنامه ها با

• چند روز پس از سخنان تهدید آمیز خامنه ای و دفاع او از مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم بر قوه قضائیه تاج زاده، معاون وزیر کشور، و کسی که عهده دار برگزاری و نظارت بر انتخابات آینده ریاست جمهوری بود، به یکسال زندان و انفصال از خدمت دولتی محکوم شد

هفته گذشته علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، در دانشگاه صنعتی امیر کبیر، به ایراد سخنانی پرداخت که بیانگر موضع گیری بالاترین مقام حکومتی رژیم ولایت فقیه در رابطه با تحولات بسیار حساس اخیر میهنمان است. خامنه ای، در سخنان خود ضمن تکرار موعظه های همیشگی که معمولاً از آنها برای فریب افکار عمومی استفاده می شود، مانند «نواندیشی»، «مقابله با تاجر»، «مقابله با فرهنگ غربی» و «مقابله با تسلط قدرت های سلطه گر» عزم قاطع رژیم را برای ادامه یورش های سرکوب گرانه در مقابله با جنبش مردمی و مدافعان اصلاحات اعلام کرد. خامنه ای در رابطه با مسأله جهانی شدن که بنا به گفته او در نهایت تبدیل ملت ها به سیاهی لشکر آمریکا را در بر دارد، گفت: «عده ای مغرض، ناآگاه و یا مجذوب غرب نیز در داخل با حرف های به ظاهر نو و زیبا همان حرف های ماهیتا قدیمی و ارتجاعی غریبها را تکرار می کنند و عملاً به هدف دشمن یعنی ایجاد فرهنگ سلطه پذیری در ملت ایران کمک می کنند تا این ملت در کشور همچون دوره ستم شاهی به سیاهی لشکر آمریکا و ابزار تامین منافع قدرت ها تبدیل شوند.» (انتخاب، چهارشنبه ۱۵ اسفند ماه)

خامنه ای در جایی دیگر با تقسیم اصلاح طلبی به دو نوع حقیقی و آمریکایی، ادعا کرد که، اصلاحات با ذات آن چیزی که او انقلاب نامید عجین شده است. خامنه ای در ادامه سخنان خود دفاع ظاهری از

«جمعی از ارباب قدرت برآند تا با فشار آوردن به زندانیان سیاسی، ضمن پیش بردن پروژه تنگین توابع سازی، نمایشنامه قدیمی دشمن تراشی را مجدداً بر روی صحنه بیاورند و به اجبار اعتراف بگیرند که نیت اصلاح طلبان براندازی بوده است... دادگاه های قرون وسطایی تفتیش افکار، در هزاره سوم با کشف افکار و نیات مجرمانه، عده ای را به جرم حضور در یک مکان محکوم و عده ای دیگر را تبرئه می کنند. بیان عقیده جرم و اندیشیدن کفر تلقی می شود.» بیانیه سپس در محکوم کردن آنچه سران رژیم آنرا «عدل اسلامی» می خوانند، اضافه می کند: «آیا عدل اسلامی اقتضا می کند، آنکه دست به اسلحه می برد و ترور می کند مصداق محارب نباشد و آنکه دست به قلم می برد و آگاهی و بیداری می بخشد، عامل دشمن تلقی شود؟! آیا امنیت جمهوری اسلامی، این قدر آسیب پذیر است که با یک سخنرانی و یا یک مقاله تهدید شود و در عین حال، آن قدر مستحکم است که از غده سرطانی دستگاه اطلاعاتی و ترور شخصیت های سیاسی آسیب بیند؟!» در ادامه بیانیه خطاب به نمایندگان مجلس آمده است: «حمله ای که جریان دانشجویی را هدف قرار داده است به دیگر اصلاح طلبان نیز خواهد رسید، تملل در نظارت پذیر کردن کلیه دستگاه های حاکمیت، نه تنها به تضعیف و استحاله اصلاحات می انجامد، بلکه فرد فرد اصلاح طلبان را در معرض خطر قرار می دهد. متأسفانه روند چهار ساله اخیر حوادث ایران نشان داده است که توده مردم با شرکت در انتخابات، به حلقه درب آستان رفیع قدرت نخواهد رسید و درب این آستان، علی‌رغم رای مردمان، نوشتن و گفتن روشنگران و اعتراض جوانان، همچنان بر همان پاشنه انحصار می چرخد.» در بخش دیگری از بیانیه خطاب به ریاست جمهوری آمده است که: «آن روز که دل شما از آنچه بر

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامهٔ بیانیهٔ «دفتر تحکیم وحدت» ...

دانشجو گذشته، بدر آمد، بنا نبود که باز هم دانشجوی را بگیرند و ببندند. گمان می‌کردیم مصیبتی که بر اهل دانش در این ملک رفته است، تسلی خواهد یافت که نیافت. احضار و بازداشت فعالان دانشگاهی فاجعه کوی دانشگاه و برپایی دوباره دادگاه کوی دانشگاه منتهی با عوض شدن جای شاک و متهم، نظام جمهوری اسلامی را در دادگاه منصفانه افکار عمومی آزاد اندیشان جهان محکوم خواهد ساخت. خواهشمندیم با حساسیتی نظیر همان که در باره مطبوعات اعمال نمودید، اجازه ندهید دستگاه قضایی بر زخم التیام نیافته و بلکه جرک کرده دانشجویان نمک پاشد. آن روز که دانشجویان را به سیاسی بودن فرا خواندید، قرار نبود در عالم سیاست تنها طرفدار یک جناح و معیجز گوی یک قدرت شوند و به محض خروج از این محدوده بسیار تنگ، فریب خورده و بازیچه قلمداد شوند و به ضرب کذا و کذا، به راه راست سکوت و بی تفاوت بازگردانده شوند.» و در ادامه بیانیه آمده است: «سالیانی پیش مرحوم مهندس بازرگان، خطاب به محمد رضا پهلوی گفت ما آخرین نسلی هستیم که با شما با این زبان سخن می‌گوییم، به آنان که در کار تشخیص مصلحت ملکند یادآوری می‌کنیم که اصلاحات، آخرین راه درمان گسست نسل هاست، اگر انحصار طلبان با فشارهای همه جانبه و اقدامات غیر قانونی توقیف کنند، سرانجام آن گسست، پیشاپیش آشکار است. چنین مباد.» نه اظهارات فاطمه حقیقت جو نه بیانیه اخیر دفتر تحکیم وحدت انعکاس بایسته در مطبوعات مجاز طرفدار جناح حکومتی طرفدار اصلاحات نیافت. اظهارات فاطمه حقیقت جو که در خطاب به علی خامنه ای ایراد شد به صورت محدود و گزین شده به چاپ رسید و بیانیه دفتر تحکیم وحدت به جز روزنامه همبستگی که قسمتی بسیار کوچک از آن را به چاپ رساند در دیگر روزنامه ها اصلا مورد اشاره قرار نگرفته است.

خاک سفید و ادعاهای مقامات رژیم ولایت فقیه

هفته گذشته رسانه های مجاز در جمهوری اسلامی خیر از یک اقدام ضربتی داده که در آن نیروی انتظامی رژیم ولایت فقیه در یک عملیات گسترده اقدام به پاکسازی منطقه ای در تهران به نام «خاک سفید» کرده که محل توزیع گسترده مواد مخدر بوده است. در این باره روزنامه «حیات نو» سه شنبه ۹ اسفند در ستون یادداشت خود در اشاره به این مسأله نوشت: «خبر در نگاه اول چندان عادی به نظر نمی رسد. در یک اقدام ضربتی و در مدت ده دقیقه، هزار قاچاقچی در محله خاک سفید تهران بازداشت شده و به مکان های در نظر گرفته شده منتقل می شوند. شب پیش از عملیات ۵۰ نفر از سران و گردانندگان شبکه خرید و فروش مواد مخدر شناسایی میشوند. ساکنانی که در کار خلاف

ادامه با اشاره ولی فقیه ...

بول، هدایت و تغذیه سیاه زمینه ساز کودتای ۲۸ مرداد بوده اند، بنابراین نمی توان صبر کرد تا فاجعه اتفاق بیفتد و بعد اقدام نمود.» ولی فقیه رژیم در جواب سوالی در باره خشونت به طور کاملاً آشکاری آن را تأیید کرد و در اشاره به سرکوب گری های سابق رژیم در این مورد گفت: «مسأله خشونت باید از دو منظر نگریسته شود، یکی بعد اخلاقی و حقوقی و دیگری بعد تبلیغاتی و جنگ روانی... من با خشونت از سوی هر جناحی که باشد مخالفم... دشمنان در جنگ روانی، شخصی مانند امام را به سبب حکم قانونی و در خصوص عده ای محارب که با مردم جنگیده بودند، متهم به خشونت می کنند که متأسفانه عده ای انسان غافل در داخل آنها را تکرار می کنند.»

خامنه ای در جای دیگری از سخنرانیش ضمن تهدید مستقیم همه نیروهای اصلاح طلب و مدافع آزادی می گوید: «من به عنوان خدمتگزار شما و برادر مجموعه جمع حاضر و به عنوان کسی که دل بسته و علاقمند به حیثیت شماست و مجموعه دانشجویها را دوست می دارد به شما عرض بکنم جمهوری اسلامی در مسوولان آن بعد از این نه حق دارند و نه تصمیم دارند که در مقابل کسانی که می خواهند با شعار آزادی، علیه منافع مردم، علیه خود آزادی، و علیه سرنوشت این ملت اقدام و حرکت کنند، معاشات بکنند» (تأکیدات از ماست). سخنان خامنه ای در باره مهمترین مسائل جاری کشور نه تازگی داشت و نه غیر قابل انتظار بود. سخنان خامنه ای در واقع چراغ سبزی به قوه قضائیه و سایر ارگان های سرکوب رژیم برای ادامه، بسط و تشدید اقدامات سرکوبگرانه بر ضد جنبش بود. اتفاقی نیست که چند روز پس از سخنان تهدید آمیز خامنه ای و دفاع او از مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم بر قوه قضائیه تاج زاده، معاون وزیر کشور، و کسی که عهده دار برگزاری و نظارت بر انتخابات آینده ریاست جمهوری بود، به یکسال زندان و ۳۹ ماه انفصال از خدمت دولتی محکوم می شود. بررسی حوادث همین یک هفته اخیر ایران از جمله سخنان فاطمه حقیقت جو در مجلس در اعتراض به شخص ولی فقیه رژیم، تا سخنان خامنه ای، اعلامیه دفتر تحکیم وحدت، تشنج فزاینده در مجلس به دنبال سخنان روز یکشنبه فاطمه حقیقت جو، نشان از حساسیت اوضاع سرنوشت ساز میهن مان دارد. مسأله بی که امروز باید آن را در سخنان خامنه ای جستجو کرد این است که جناح حکومتی طرفدار سرکوب با احساس خطر کردن جدی از روند تحولات کشور خود را برای دور تازه ای از یورش بر ضد جنبش مردمی آماده می کند. باید انتظار داشت که در این دور تازه تهاجمات ارتجاع، که قاعدتاً در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ماه های آینده به اوج خود خواهد رسید، افزون بر استفاده همچونگی از جاکو کشان «ولی فقیه» و انصارش، قوه قضائیه رژیم وظیفه سلاخی جنبش را از طریق «قانونی» تکمیل کند. سخنان خامنه ای، بار دیگر نشان می دهد که سیاست ثابت، عزم جدی و مقابله گستاخانه با خواست های میلیونی توده ها از طریق ارگان های تحت کنترل به عنوان تنها گزینه مطمئن سرکوب گران برای نجات از بحرانی است که پایه های رژیم استبدادی حاکم را هدف قرار داده است. سؤال اساسی این است که آیا چنین روشی در مقابله با توده ها کارایی دارد یا نه؟ طرح چنین سوالی گریه جدید نیست، و نمود بارز و آشکار آن خیزش توده ها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ بود، اما متمیق و گسترش آن بخصوص پس از چهار سال پر فراز و نشیب حائز اهمیت ویژه ای است. به نظر ما بررغم نقطه های مثبت، قوی و تعیین کننده در بطن جنبش مردمی، پارامترهای موجود آسیب پذیری این روند را دور از دسترس قرار نمی دهد. به دلیل وجود چنین پارامترهایی، ما شاهد گسترش دستگیری ها، بازداشت ها و توقیف روزنامه ها هستیم و با توجه به چنین وضعیتی مسئولیت تیروهای انقلابی دو چندان شده است. حفظ دستاوردهای چهارساله جنبش مردمی بر دوش تمامی فعالان سیاسی طرفدار اصلاحات واقعی سنگینی می کند. جنبش مردمی بررغم ظرفیت های بسیار بالا بخصوص در میان زنان، کارگران و دانشجویان به دلیل عدم همزونی انقلابی و عدم سازمان دهی بهینه نتوانسته بر ضعف آسیب پذیری خود غالب آید، بگویم برای از میان برداشتن چنین ضعف هایی اساسی، گام های عملی ملموسی برداریم. وحدت و همکاری تمام نیروهای واقعی طرفدار اصلاحات در این زمینه نقش تعیین کننده را ایفا خواهد کرد. به این نیاز عاجل جنبش باید پاسخ عملی داد.

نبودند تا زمان تهیه مکن مناسب به دو هتل در تهران انتقال می یابند و سرانجام خبر می رسد که بخش آلوده محل خاک سفید، پس از تخریب به فضای سبز تبدیل می شود.» مقاله در ادامه می نویسد: «اقدام پلیس گامی برای دفاع از حقوق شهروندی تهرانیان بود. خاک سفید اندک اندک بناگاه سترگی برای قاچاقچیان شده بود تا چهار استان همجوار را از مواد مخدر اشباع کند. تا آنجا که یک مسوول از فروش روزانه ۵۰۰ کیلو گرم مواد مخدر در این مکان خبر می دهد.»

خود این خبر و گزارش های دیگری که در این مورد منتشر گردیده به خوبی گویای عمق فاجعه در قلب تهران و به تبع آن در کل کشور است. ولی از طرف دیگر نشان دهنده یک سری اقدامات روپنایی در این رابطه می باشد که فقط جارجنجال تبلیغی چند روزه را دارد. مسلماً وقتی بنا بر ادعای همین مقاله روزنامه «حیات نو» هزار نفر «قاچاقچی» در مدت ده دقیقه دستگیر می شوند به خودی خود نشانهگر پوچی ادعاهای مقامات مسوول در این رابطه است. بدون شک این هزار نفر، انسان های مفکومی هستند که به دلایلی بسیار روشن گرفتار اعتیاد گردیده اند و در خوشبینانه ترین حالت فروشنده های خرده پای بیش نبوده اند. مقامات رژیم ولایت فقیه برای کاهش فشار افکار عمومی در حالی که سردمداری بسیاری از اقدامات خلاف شئون انسانی را در پشت پرده در دست دارند، با چنین اقدامات پوچ و توخالی در صدد فریب افکار عمومی هستند. «خاک سفید» ها نه در تهران که در جای جای میهن ما رشد و گسترش یافته و دلیل ریشه ای آن در ماهیت وجودی رژیم است که پس از بیست و دو سال تسلط بر میهنمان با اجرای سیاست های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نفع مشی چپاولگر در راس قدرت باعث چنین فجایعی برای توده های رنج و زحمت گردیده اند. با وجود ادامه چنین سیاست هایی ناهنجاری های اجتماعی در جامعه نه تنها از بین نمی رود بلکه در نهایت انتقال آن را از یک نقطه به نقطه دیگر موجب خواهد شد.

آدرس ها: لفتاً در مکاتبت خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- 3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 603
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

6 March 2001

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۰۰-۲۹-۳۰-۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
IRAN e.V.
شمارهٔ حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse